



مطبوعات موضوعیت ندارد، و اگر هم داشته باشد باید در مواردی اعمال شود که وقوع تخلف در دادگاه محرز شده باشد و سپس خاطلی به تخلف خود ادامه دهد، در حالی که بعضی از نشریات تعطیل شده هیچ گاه گذارشان به دادگاه نیفتاده است و یا این که روزنامه آلت جرم نیست و ... خبر تعطیلی دو روزنامه صبح امروز و اخبار اقتصاد نیز از راه رسید. در توفان پباخاسته حتی سخن محمد حسن ضیائی فردیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز ناشنیده ماند که گفت قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ تمامی قوانین مربوط به مطبوعات قبل از خود را باطل کرده است و بنابراین نمی توان با توسل به قانون اقدامات تأمینی نشریه ای را توقیف کرد، همچنانکه ضحبت های مدیر عامل خبرگزاری تازه تأسیس دانشجویان که گفت توقیف نشریات بدترین نوع برداشت از بیانات رهبری انقلاب اسلامی است.

مستند تعطیلی اخبار اقتصاد، همانند نشریات تعطیل شده دیگر بود، اما درباره صبح امروز وضعیت فرق داشت. قاضی مرتضوی در حکم توقیف صبح امروز، به ناتوانی مدیر مسؤل آن، یعنی سعید حجابیان اشاره کرده بود، همین امر باعث شد که وزارت ارشاد در اطلاعیه ای توضیح دهد که بررسی این موارد به عهده هیأت نظارت است و آن هم در مواردی که یک مدیر مسؤل سه ماه نتواند به مسؤولیت خود ادامه دهد، به این ترتیب صبح امروز بار دیگر منتشر شد.

ادامه انتشار صبح امروز، به همراه مشارکت و بیان بحث هایی را در انداخت و بعضی کسان در اولین گمانه زنی ها آن را نشانه توافقی میان جناح های مختلف سیاسی دانستند. به این معنی که در این توافق، مطبوعات به دو دسته خودی و غیر خودی تقسیم شده، غیر خودی ها را تعطیل کرده اند و قرار بر این است که هر جناح خودی یک نشریه بیشتر نداشته باشد. این شایعه در حد زمزمه بود که خبر ملاقات نمایندگان جبهه دوم خرداد با مقام معظم رهبری منتشر شد.

اینکه مهدی کروبی، هادی خامنه ای، مجید انصاری، بهزاد نبوی، محمدرضا خاتمی، محمد سلامتی و دکتر نجفی (از سوی حزب کارگزاران سازندگی)، جمعی که پنج نفرشان منتخبان انتخابات اخیر بودند و جای نمایندگان از دفتر تحکیم وحدت و خانه کارگر (بازوان دانشجویی و کارگری جنبش مدنی) در میان نشان خالی بود، در دیدار با آیت الله خامنه ای چه گفتند، در خبر خبرگزاری جمهوری اسلامی و دفتر مرکزی خبر صدا و سیما بازتابی نیافت.

سخنان رهبر انقلاب نیز به فاصله دو روز انتشار یافت، آن هم نه با صدای ایشان.

آیت الله خامنه ای، در این سخنان که حاضران به دقت آن را یادداشت می کردند، ضمن ابراز نارضایتی از بعضی تندروی ها در جبهه دوم خرداد - به ویژه تأکید بر کنفرانس برلین - گفتند: «جایگاه اصلی شما متن انقلاب و حفظ اصول است، شما با انقلاب بزرگ شده اید و امروز هم که دشمنان اصلی انقلاب را نشانه گرفته اند شما باید در جایگاه حقیقی خود محکم بایستید و با در دست گرفتن ابتکار عمل، با دوستان دیگری که در اصول انقلاب و نظام با هم توافق نظر دارید گردهم آید و ضد انقلاب را منزوی و مرز خود را با آنها مشخص کنید و وحدت ملی را عنایت بخشید، بنده نیز از شما به طور مساوی حمایت خواهم کرد.»

دو هفته بعد و در خطبه های نماز جمعه، آیت الله خامنه ای همین مضمون را در سخنان خود گنجانده و خطاب به دو جناح سیاسی گفتند که بیایید و مرزهای نویی را تعریف کنید. ممکن است از لحاظ سیاسی یک عده از مردم به یک جناح، یک عده هم به یک جناح دیگر متعقد باشند، اما به اسلام معتقدند. خیال نکنند آن روز آن جناح در انتخابات برنده می شود، یک طور است: آن روزی که آن جناح دیگر برنده می شود طور دیگری است؛ نه اینها مذاق ها و مسلک های سیاسی است ... این دو جناحی که در داخل نظام قرار دارند، مرزهای دیگری را تعریف کنند. اولاً مرزهای جدیدی را تعریف کنند و قدری بیشتر با هم گرم بگیرند؛ ثانیاً مرزشان را با آن بیگانه ها آشکارتر و واضح تر کنند.

انتشار خبر این جلسه و هشدارهای رهبر انقلاب آرامش بخش فضا بود. جبهه دوم خرداد بلافاصله در بیانیه ای مردم - و دانشجویان را که رهبر انقلاب نیز به آنها اشاره کرده و آشوب و بلوا در محیط های دانشجویی را خطرناک خوانده بود - دعوت به هوشیاری و آرامش کردند.

فضای پدید آمده که شایعه پیش گفته را تقویت می کرد، موضوع مصالحه بر سر تعطیل روزنامه ها و تأیید انتخابات تهران را بر آن افزود، ولی اتفاق بعدی، یعنی تعطیلی صبح امروز و مشارکت هر دو شایعه را باطل کرد. دیدار نمایندگان جبهه دوم خرداد هم با رهبری، نتوانست چرخه ای را که به گردش درآمده بود، از حرکت باز بدارد. پس از آن دادگستری دستور توقیف «آوا»ی اصفهان و جبهه را نیز داد.

به این ترتیب شایعه تازه ای، وسیعتر از هر آن چه تاکنون زمزمه می شد بر سر زبان ها افتاد و آن چیزی نبود مگر ابطال انتخابات تهران. این شایعه از آن رو تقویت شد که نشریات دوم خرداد، بر خلاف انتظار واکنشی نشان ندادند و درصدد انتشار روزنامه های جایگزین برنیامدند. گفته می شد که مسؤلان ارشاد نیز

از این مطبوعات خواستار خویشتنداری شده اند. در اذهان عموم، هر واکنش تند می توانست زمینه بحران تازه ای را فراهم کند که اولین پیامد آن لغو انتخابات مرحله دوم و ابطال انتخابات تهران و در نتیجه به زیر سوال رفتن تشکیل مجلس ششم بود. به همین دلیل بود که دانشجویان معترض به تعطیلی مطبوعات نیز ترجیح دادند که به جای اعتراضی سراسری، به نوبت و در دانشگاه های مختلف، در سکوت اعتراض کنند.

یک هفته از ماجرا گذشت. روزنامه ها و تریبون های مختلف جناح راست، در غیبت رقیبان سرسخت دیروز و احتیاط روزنامه های برجای مانده بیان و هم میهن، از حمله به مطبوعات دوم خرداد دست برنداشتند و انواع اتهامات را بر آنان وارد آوردند. مقاله نویس روزنامه اطلاعات فضای پدید آمده را به خوبی بیان کرد و نوشت که قرار قوه قضاییه و هدف از توقیف موقت شماری از روزنامه ها این نبود که فضای جامعه همچنان به چکش گذشته از صاحبان روزنامه های موجود و قلم زدن در آن ها کوبیده شود او به قوه قضاییه و رئیس کل دادگستری تهران توصیه کرد که به بررسی و ارزیابی نوشته های ده روز گذشته از مطبوعات باقی مانده هم بپردازند؛ بخصوص روزنامه هایی که توقیف نشریات و مطبوعات «رقیب» را «فتح الفتوح» برای خود می دانند ... و بدون کمترین دغدغه و یا امکان کنترل و ترس از بازخواست قضایی، هرچه می خواهند می نویسند ... و تا حد تهدید وزیر دولت آن را چرخش می دهند و وزیر را که به طور قانونی عضو هیأت دولت خاتمی است و مسؤولیت یکی از مهمترین وزارتخانه ها را به عهده دارد مخاطب قرار می دهند که یا استعفاء بدهد، یا استیضاح شود یا عزل گردد و «البته چنین نوشته و سرمقاله ای نه تضعیف دولت و نه تضعیف نظام است.»

روزهای دیگر که سپری شد، بحث ابطال انتخابات تهران از سوی محافظه کاران با شدت بیشتری پی گرفته شد.

حتی دکتر محمد جواد لاریجانی در مقاله ای در روزنامه رسالت از نحوه برگزاری انتخابات و شمارش آراء تهران به عنوان یک لکه ننگ برای جمهوری اسلامی یاد کرد و آشکارا خواستار ابطال آن شد. بیانیه های هیأت نظارت شورای نگهبان بر نگرانی های در این باره بیش از پیش آفسزود. گسویی خویشتنداری مطبوعات دوم خرداد، تأثیری در توقف حمله جناح مقابل نگذاشته بود.

در چنین اوضاعی بود که مردم بر پیشخوان روزنامه فروشی ها، روزنامه تازه ای که نام بهار را برای خود برگزیده بود، دیدند. خبر کوچکی نیز در روزنامه های دیگر خودنمایی می کرد: ۹ روزنامه به زودی منتشر خواهند شد.

نطق آتشین هاشمی انتقام، انتحار یا فداکاری



در نخستین جلسه مجلس بعد از تعطیلات نوروز، ناطق نوری گفت «ترور فیزیکی و حذف فیزیکی امنیت را به خطر می اندازد اما ترور شخصیت کمتر از ترور فیزیکی نیست. حذف خدمتگزاران یک کشور و نظام از صحنه و آنان را آماج تهمت قرار دادن خطرناک تر از ترور فیزیکی است و متأسفانه به آن توجه نمی شود و باعث سلب امنیت می باشد و همه به هم حق می دهند تلاش کنند و عکس العمل نشان بدهند» در همان هنگام یکی از نمایندگان اقلیت (هوادر دولت) در مجلس پنجم نگاهی به همفکر خود کرد که دو صندلی دورتر نشسته بود، یکی دیگر از نمایندگان به سیدحسین مرعشی توجه داد و صدای خنده یکی از نمایندگان فعلی تهران بلند شد. آیا نخستین اعتراض علنی محافظه کاران به حملاتی که در روزنامه های دوم خرداد به آقای هاشمی شده بود، نشان می داد در تعطیلات نوروزی دید و باز دیده ها و همفکری هایی بین مخالفان اصلاحات با رئیس مجمع تشخیص مصلحت رخ داده است؟ در پاسخ این سؤال عده ای معتقد بودند با همه اتفاق هایی که بعد

برایش امضا جمع کنند، با بی میلی و بی اعتنائی دیگر نمایندگان روبه رو شدند. نمایندگان نزدیک به هیأت مؤتلفه حرارت بسیار از خود نشان می دادند، اما دیگران که می دانستند زمانی برای به ثمر رساندن استیضاح وجود ندارد، حاضر نبودند بر ورقه ای امضا گذارند که اثری بر آن مترتب نبود. اعلامیه های شورای نگهبان کار خود را کرده و تندترین مخالفان دولت و اصلاحات سیاسی که موفق به کسب آرا در انتخابات مجلس ششم نشده بودند - زادسر، عباسی، رسولی نژاد، مطهر کاظمی - لبخند به لب داشتند. گرچه نجابت، موحدی ساوجی، حسینی (اخلاق خانواده) از این شادمانی محروم بودند ولی به قبول یکی دیگر از نمایندگان تهران، آنها نیز حق داشتند تا زمانی که شورای نگهبان انتخابات تهران را تأیید نکرده امیدی در دل داشته باشند. جلسه مجلس آرام گذشت، روز کارگر در پیش بود. دانشجویان دانشگاه های کشور نیز که هفته قبل ملتهب بودند و در چند جا دست به تظاهرات آرامی زده بودند، اینک با اطلاعیه احزاب و به ویژه دفتر تحکیم وحدت، آرام در سر کلاس ها بودند. گرچه می شد التهاب را در آنان دید. دفتر تحکیم وحدت در اطلاعیه ای که بعد از خطبه های آتشین هاشمی رفسنجانی صادر کرد اعلام داشت که شایعات درست نیست، کلاس های درس تعطیل نیست و دانشجویان به پیروی از خواست رئیس جمهور از هرگونه تحصن، تجمع و اقدام احساسی که زمینه پرور آشوب در محیط های علم و دانش می شود، پرهیز دارند. حتی دستگیری علی افشاری عضو دفتر تحکیم وحدت - شرکت کننده در کنفرانس برلین - هم نتوانست، این دستورالعمل را باطل کند. حالا دیگر مانده بود که رئیس جمهور به صدا آید. آقای خاتمی در اجتماع کارگران، از مردم خواست که به سخنان و خطابه های تحریک آمیز بی توجه باشند، آرامش را حفظ کنند ولی تأکید کرد که مردم رأی داده اند و حق دارند برای آن لحظه شماری کنند. یعنی برای حادثه ای که شورای نگهبان، باز هم با صدور اطلاعیه ای آن را به تأخیر انداخت. اعلام نتایج انتخابات تهران. بهزاد نبوی که در جلسه دیدار با رهبری نیز صریح تر و بیشتر از دیگران مسایل را مطرح کرده بود، این بار نیز خطاب به دانشجویان گفت بهوش باشید، می خواهید تحریکشان کنند. اما او نیز مسؤولان را از بازی با رأی میلیون ها مردم برحذر داشت.

سخنرانان برلین، احضار و بازداشت

با بازگشت سخنرانان برلین، دادگستری یکی یکی آن ها را احضار کرد، در فاصله یک هفته شهلا لاهیجی، مهرانگیز کار و علی افشاری زندانی شدند، عزت الله سبحانی و حمیدرضا جلالی پور با ضمانت آزاد شدند، دادگاه عمادالدین باقی آغاز شد و رسانه های همگانی جهان خبر دادند که اصلاح طلبان و مظهر آنها محمد خاتمی با بزرگترین چالش خود، بعد از دوم خرداد، روبه رو شده اند. اما همزمان با بالا گرفتن انتقادات از خطبه آتشین رئیس جمهور سابق، در حالی که دادگاه متهمان نظامی حمله به کوی دانشگاه ادامه داشت سردار نظری که در روزهای گذشته از لباس شخصی ها که دانشجویان را هم جزء آن ها می دانست سخن می گفت خود را بی گناه می دانست، این بار با نام بردن از وزیر کشور، معاون وزارت کشور و مقامات دانشگاهی انتقاد خود را متوجه آنها کرد. انتشار خبر آزاد شدن متهمان قتل های زنجیره ای - همه به جز دو تن از همکاران اصلی سعید امامی - خبر داد که جریان رسیدگی به پرونده ای که تمام سال گذشته نظرها به آن بود روال دیگری به خود گرفته است. تنها خبر خوش برای اصلاح طلبان این بود که سعید حجاریان، آرام آرام به زندگی برمی گردد. گفتن و خواندن آغاز می کند و همین روزهاست که از بیمارستان مرخص شود. وقتی تصویر او نشسته بر یک صندلی، با چشمانی هوشیار در روزنامه ای چاپ شد، سعید عسگر که او را با شلیک گلوله ای به مرز مرگ نزدیک کرد در دادگاه می گفت مرده و زنده ماندن حجاریان برای ما فرقی نداشت، قصدم تنبیه او بود. عسگر که وقتی برای سخن گفتن برخاست مادرش برای او صلوات فرستاد، در ضمن به ترور شفيعی هم اعتراف کرد و گفت حکم شرعی ترور را - نه چنان که قاضی پرسید از فردی به نام عظیم بلکه - با اطمینان به قسم و قول مقدمی دریافت داشته است.

نمایندگان مجلس - همه به جز آنها که درگیر مرحله دوم انتخابات بودند - وقتی یکشنبه، با عجله خود را به مجلس رساندند، در انتظار خبرهای مهمتری بودند. بعضی خود را زودتر رسانده به اتاق رئیس رفتند. در میان ناطقین قبل از دستور زادسر نماینده جیرفت از همه تندتر رفت. او وزیر کشور و وزیر ارشاد را - مانند پیش - به باد حمله گرفت، اما چند نفری که ورقه استیضاح دوباره دکتر مهاجرانی را آماده کرده بودند تا با توجه به فضای پدید آمده بعد از نطق آتشین هاشمی رفسنجانی،

از نامزد شدن هاشمی رفسنجانی برای نمایندگی تهران رخ داد و در پایان آن دست کم ماه عسل بخشی از موافقان و نزدیکان رئیس جمهور سابق با اصلاح طلبان پایان گرفت، بازگشت آقای هاشمی به سوی دوستان قدیمی و همفکران سابق خود غیرممکن است. این گروه به فشارهایی اشاره می کردند که اکثریت مجلس چهارم و پنجم در دومین دوره ریاست جمهوری هاشمی به وی وارد کردند و در پایان نیز در زمانی که حزب کارگزاران سازندگی تشکیل شد - که صف آرای مستقیمی در برابر جناح محافظه کار در جریان انتخابات مجلس پنجم بود - رویارویی بین محافظه کاران و هاشمی و نزدیکانش حاد شد و بعدها تا جایی ادامه یافت که کرباسچی به زندان رفت، و روزنامه فایزیه هاشمی را دادگاه انقلاب تعطیل کرد همچنین در نماز جمعه تهران هنگامی که آقای هاشمی جمله ای با احتیاط در دفاع از مدیر شاخص خود در دوران سازندگی، غلامحسین کرباسچی، گفت اتفاقی افتاد که در بیست سال عمر جمهوری اسلامی هرگز نیفتاده بود، عده ای فریاد اعتراض سر دادند و اعدام غارتگر بیت المال را خواستند. هنوز ضربه این حادثه آشکار نشده بود که رسولی نژاد نماینده محافظه کاران از دماوند تهدید کرد که در صورت ادامه یافتن حمایت هاشمی رفسنجانی از کرباسچی که توسط محسنی اژه ای به زندان محکوم شده بود اسناد و مدارک مربوط به ارتباط مالی خانواده هاشمی را با شهرداری تهران - با جزئیات و شماره پلاک - افشا خواهد کرد. چندی بعد که کتاب ناگفته های دادگاه کرباسچی آماده شد، محمد یزدی که آخرین روزهای حضور خود در ریاست قوه قضایی را می گذراند در مقدمه خود، هنگام برشمردن فعالیت های ده ساله قوه قضایی به یک پرونده اختلاف خانوادگی اشاره کرد که مطلعان می دانستند اشاره او ترمیمی است به کسی که از ابتدای پیروزی انقلاب و در جریان استقرار جمهوری اسلامی پس از بنیادگذار جمهوری اسلامی، یکی از سه ستون اصلی و در بیست سال پرماجرا همواره مرد دوم جمهوری اسلامی بوده است.

این عده که قرار گرفتن هاشمی رفسنجانی را به عنوان پرچمدار ضد اصلاحات غیرممکن می دانستند، به سوابق و عملکرد وی هم اشاره می کردند که او را سزاوار لقب «شخصیتی عملکردا و واقع بین» قرار داده بود. لقبی که بارها از سوی ناظران داخلی و خارجی به او داده شد. آنان از همین استدلال نتیجه

می گرفتند که احتمال بازگشت هاشمی به صحنه همچون سال های اول دهه هفتاد وجود ندارد و او خواهد کوشید تا تصویر خود را به عنوان کسی که زمینه اصلاحات دوم خرداد را فراهم آورد تقویت کند و از طریق حزب کارگزاران سازندگی، ضمن حفظ پیوند با هواداران دولت خاتمی، نیروهای معتدل محافظه کار را نیز به خود بخواند و همچون پیش نقش متعادل کننده را در رقابت های سیاسی عهده دار شود.

در مقابل این استدلال ها و گمانه زنی ها که از طریق چند عضو رهبری حزب کارگزاران به آقای هاشمی رفسنجانی هم منتقل می شد، گروهی بر این باور بودند که مقالات اکبر گنجی، عمادالدین باقی و گفته ها و نوشته های سعید حجاریان، عباس عبدی و محمدرضا خاتمی کار خود را کرده و زمینه را برای کاری که افرادی مانند مهدوی کنی و ناطق نوری آماده اجرای آن بودند فراهم آورده. یعنی نتیجه دید و بازدیدهای نوروزی و ملاقات های مهدوی کنی، عسگر اولادی و ناطق نوری و بعضی از شخصیت های نظامی با رئیس مجمع تشخیص مصلحت، هاشمی رفسنجانی را به جایی رسانده که دست کم به تعبیر یکی از هواداران برجسته او «خودکشی سیاسی» تلقی می شود.

دریافت آن که کدام یک از گمانه زنی ها در مورد گفتگوهای نوروزی به نتیجه رسیده و انتخاب آقای هاشمی کدام است سه هفته ای زمان برد. سه هفته داغ و پرماجرا تا آن که نوبت به اقامه نماز جمعه تهران به هاشمی برسد. در این خطبه که بسیاری گوش ها به آن سپرده شده بود، از همان ابتدا کسانی پایان ماجرا را حدس زدند. رئیس جمهور سابق در همان خطبه اول بحث پیشین خود در باره اخلاق در اسلام را رها کرد و به سراغ حوادث روز رفت. در همه هجده سال گذشته کسی چنین سخنرانی تندی از او نشنیده بود. شدیدترین تعبیرها که پیش از آن، در این مکان از آیت الله جنتی و محمد یزدی هم شنیده نشده بود نثار اصلاح طلبان شد. کسی که بارها خطبه های آرام بخش خواند این بار از «عمل کردن حسینی» یاد کرد و به گفته مفسر سی.ان.ان شمشیر برکشید. هاشمی تا آنجا رفت که به کسانی که به پخش فیلم کنفرانس برلین، به دلیل نشان دادن صحنه رقص در ماه محرم و ایام سوگواری اعتراض کرده بودند به طعنه و با لحنی تحقیرآمیز گفت: «حالا

حرف هایی که می زنند خانم برهنه دارد آنجا می رقصد چرا این را نشان دادید این ها حرف است، هر شب شما دارید از این فیلم ها می بینید. کسی غصه این چیزها را نمی خورد، لااقل شماها نمی خورید. حالا اگر دیگران غصه می خورند، آن ها روی این یکی حرفی ندارند و حاضرند لخت ترش هم دیده شود. حقایق باید روشن شود.»

واکنش تند جنبه مشارکت، مجمع نیروهای خط امام و دیگر احزاب تشکیل دهنده جنبه دوم خرداد قابل پیش بینی بود، حتی علی اکبر محتشمی در سرمقاله روزنامه بیان به تلویح خواهان محاکمه هاشمی به اتهام «تهمت و افترا بزرگ» شد. همزمان با خطبه های آتشین رئیس مجمع تشخیص مصلحت، مرخصی نمایندگان مجلس لغو شد و چون جلسه ای پیش بینی نشده برای روز یکشنبه اعلام گردید، مزمزه ها بر آن قرار گرفت که در آن جلسه طرح عدم کفایت رئیس جمهور تدارک دیده خواهد شد، اما چنین نشد و حتی طرح تهیه شده توسط چند تن از تندروان جناح محافظه کار برای استیضاح دکتر مهاجرانی و موسوی لاری وزیر کشور در دست ها ماند.

مهم ترین نکته خطبه های آتشین هاشمی رفسنجانی شبیه سازی تاریخی وی بود که می گفت الان عیناً شرایط مملکت مانند سال های ۵۸ تا ۶۰ است. مسال هایی که مهم ترین مشخصه اش استعفای مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت و برکناری بنی صدر نخستین رئیس جمهوری اسلامی بود (دو حادثه ای که هاشمی رفسنجانی در پدید آمدن آن نقش اول را داشت). این شبیه سازی - به گفته علی اکبر محتشمی - حتی بسیاری از رهبران جناح راست را نیز ناخشنود کرد.

سخنرانی هاشمی فقط اعتراض جناح دوم خرداد را برنیانگیخت، در پی آن، اختلاف درونی رهبری کارگزاران سازندگی هم که به شدت پنهان می شد، از پرده برون افتاد. کرباسچی، دبیرکل این حزب با اعلامیه ای کوتاه حساب خود را از دفتر سیاسی زیر تسلط محمد هاشمی جدا کرد، این عملاً بدان معنا بود که کارگزاران سازندگی در کوره حوادث در حال ذوب شدن هستند. به اعتقاد صاحب نظران سیاسی، برای هاشمی رفسنجانی، توجه به همین آخرین اتفاق برای پی بردن به تفاوت میان امروز با تمام سال های اولیه انقلاب کافی بود.

